Dhaka University Journal of Persian (Academic-Research) Year: 8, Issue: 8, June 2023
Dhaka, Bangladesh. ISSN : 2791-0679
مجلۀ فارسی دانشگاه داکا (علمی - پژوهشی)، سال: ۸، شماره: ۸، ژوئن ۲۰۲۳م

Influence of Maulana on Humanity and Society

Md. Noor-e-Alam[1]

ARTICLE INFO

Article type
Academic-Research

Received
17 May 2025

Revised
9 October 2026

Accepted
19 October 2026

Published online
26 October 2026

Printing date of Publication
30 October 2026

Keywords:
Rumi, society, love, humanity, Masnavi

ABSTRACT

Maulana Jalaluddin Rumi was the greatest thinker, spiritual master and mystical poet. His influence is everywhere in society, he has made a permanent place in the hearts of every man and woman in society. His Masnavi is read everywhere in the community. New songs are being created through his Masnavi by placing musical instruments. Everyone in the society remembers him with respect. His thoughts are reflected in the society through stories, poems, novels, music and movements related to his lifestyle. Rumi's character has been equally popular and attractive for centuries. Maulana Shams Tabrizi's words about separation, God, death, love, humanity and the deep optimism of connecting with the beloved have been mentioned many times in his poetry. Even after this long time, Rumi's poetry is still alive among all the people of the society. Rumi's humanity penetrates all boundaries and connects with God؛ Maulawi's Masnavi explores love, brotherhood, harmony in society and happiness in everyday life. The story of his Masnavi is constantly read in religious ceremonies of the village. Rumi's philosophy makes every person with different religions to be more loyal to his religion. His masnavi erases class and religious contradictions in the society. The purpose and objectives of this article is to clarify the personality of Rumi, his humanity, his place in the hearts of people in the society, his Masnavi in the society, research about Rumi in Bangladesh and the influence of Rumi in building humanity and a peaceful society, etc.

1. PhD, Professor of the Department of Persian Language and Literature, University of Chittagong, Bangladesh. Email: noorampers@cu.ac.bd

How to Cite: Alam, Md. Noor-e (2026). *Influence of Maulana on Humanity and Society*, Dhaka University Journal of Persian, 8(8), 139-156. **DOI: https://doi.org/10.68651/dujp.v8i1.15**

تأثیر مولانا بر بشریت و جامعه

دکتر محمد نور عالم[۱]

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت:
۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری:
۱۷ مهر ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش:
۲۷ مهر ۱۴۰۵

تاریخ نشر آنلاین :
۴ آبان ۱۴۰۵

تاریخ انتشار:
۸ آبان ۱۴۰۵

واژه‌های کلیدی: مولوی، جامعه، عشق، انسانیت، مثنوی

چکیده

مولانا جلال الدین رومی بزرگترین متفکر، استاد روحانی و شاعر عارف بود. نفوذ او در همه جای جامعه وجود دارد، او در قلب تک تک مردان و زنان جامعه جایگاهی دائمی ایجاد کرده است. مثنوی او در جای جای جامعه خوانده می‌شود. آهنگ‌های جدیدی با الهام از مثنوی مولوی و استفاده از آلات موسیقی در حال ایجاد است. همهٔ افراد جامعه با کمال احترام از او یاد می‌کنند. افکار او از طریق داستان‌ها، شعرها، رمان‌ها، موسیقی‌ها و حرکت‌های مرتبط با سبک زندگی‌اش در جامعه بازتاب می‌یابد. شخصیت مولانا برای قرن‌ها به همان اندازه محبوب و جذاب بوده است. سخنان مولانا شمس تبریزی از فراق، خدا، مرگ، عشق، انسانیت و خوش‌بینی عمیق به وصال معشوق بارها و بارها در شعر او مطرح شده است. حتی پس از گذشت این مدت طولانی، شعر مولانا همچنان در میان همهٔ افراد جامعه زنده است. انسانیت مولانا همهٔ مرزها را درنوردیده و با خدا پیوند می‌زند؛ مثنوی مولوی عشق، برادری، هماهنگی در جامعه و شادی در زندگی روزمره را بررسی می‌کند. مثنوی او مدام در مراسم مذهبی روستا خوانده می‌شود. فلسفهٔ مولانا باعث می‌شود که هر فرد با ادیان مختلف به دین خود وفادارتر باشد. مثنوی مولانا تضادها و تضادهای طبقاتی و مذهبی را در جامعه محو می‌کند. هدف این مقاله روشنی بخشی به شخصیت مولانا، انسانیت او، اشاره به جایگاه او در قلب افراد جامعه، شرح نقش مثنوی او در جامعه، تحقیق در مورد مولانا در بنگلادش و تأثیر مولانا در ساختن انسانیت و جامعه‌ای صلح‌آمیز است.

---

۱. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه چیتاگنگ، بنگلادش. ایمیل: noorampers@cu.ac.bd

شیوهٔ ارجاع دادن: عالم، محمد نور (۲۰۲۶). *تأثیر مولانا بر بشریت و جامعه*، مجلهٔ فارسی دانشگاه داکا، سال: ۸، شماره: ۸، ص۱۳۹-۱۵۶.
DOI: https://doi.org/10.68651/dujp.v8i1.15

مقدمه

از طریق بررسی شعر شاعر یا اثر نویسنده، وضعیت جامعه، نیازهای آن و تأثیر شعر او بر جامعه آشکار می‌شود. شعر مولانا منعکس‌کننده بسیاری از وقایع تربیتی، موقعیت‌ها، شرایط اجتماعی، آداب، عادات و سنن است. شعر او بازتاب‌های اجتماعی، زندگی و واقعیت را به تصویر می‌کشد. او بدون شک یک متفکر و قدیس روحانی است. او را می‌توان مصلح اجتماعی نامید. جذابیت او جهانی است. همهٔ مردم و ملت‌ها را به بیداری فرامی‌خواند. او معلم اصلاحات اجتماعی بود. او با تشبیهات شاعرانه، داستان‌ها، حکایات خود، چگونگی زیباسازی جامعه را آموخت. دو شکل متفاوت در او مشاهده می‌شود؛ اولاً احساساتی و بردبار است و ثانیاً شخصیتی قوی مقدس و آرمانگرا است. از طریق مثنوی، غزلیات، فیه ما فیه، مکتوبات و مجالس سبعه و سلطان ولد، اندیشهٔ عالی عرفانی، نگاه انسان‌گرایانه، ویژگی‌های طبیعی انسانی، شخصیت انسانی او شناخته می‌شود. عصر جدید نظریه و فلسفه که در عقاید صوفیانه از زمان ذوالنون مصری آغاز شده بود در مولانا بیان شعری شگفت انگیزی یافت. مولانا یکی از سه صوفی بزرگ اسلام است. دو صوفی دیگر ابن عربی و غزالی هستند. فریدالدین عطار، حکیم سنایی و جلال الدین رومی به عنوان شاعران صوفی معروف هستند. مولانا دانای کل بود. او با پرتو معرفت روحانی خود، معرفت کل جهان را آشکار کرد. او در بسط تخیل، کیفیت همدلی عمیق، بینش فلسفی و عظمت تفکر فوق العاده داشت (سرکار، ۲۰۱۴: ۱۷۵).

شعر مولوی به مسائل روحی انسان می‌پردازد. وی ارزش‌های اساسی و جهانی جامعه را بیان کرد. آنچه او «عدالت» نامید، در عصر ما «حکومت قانون» نامیده می‌شود. آنچه او «ظلم» می‌دانست و از مردم می‌خواست که از آن خودداری کنند امروزه به آن «نقض حقوق بشر» می‌گویند. آنچه او در مورد آن توصیه کرد اکنون «حکمرانی خوب» نامیده می‌شود. کرامت انسانی و عدالت اجتماعی محور تفکر اوست. او برای حمایت از حقوق بشر، رفاه مردم و حکومت عادلانه و خوب بدون هیچ تبعیضی مبارزه کرد. مولانا از این نظر نه تنها شاعر عشق است، بلکه سرچشمهٔ هر حرکتی در جهان هستی است، انرژی‌ای که از اتم‌ها به کهکشان‌ها و پویایی می‌رسد. او همچنین شاعر زندگی اجتماعی و عدالت و بنیان دولت است. او به مشکلات اجتماعی پرداخت، از فساد مدیران و قضات انتقاد کرد، علیه بی‌عدالتی قیام کرد و بر اهمیت آزادی تأکید کرد. آزادی و عدالت از عناصر اساسی و جهانی است که بشر از آغاز تاریخ به دنبال آن بوده است. فقط هستی می‌تواند انسان‌ها را مانند

پرنده‌ای دو بال در رسیدن به اهداف و آرزوها یاری دهد. مولانا یک روح آزاد واقعی است. او خود را «دریای آزاد» می‌دانست. یک اقیانوس بی‌پایان و بی‌کران است. او دریای آزاد و بدون ساحل است. آب رودخانۀ شیرین است، اما در مقایسه با آب دریا نیست. از نظر مولانا «کل هستی و همه انسان‌ها مانند یک بدن هستند». درک او از پیشرفت مبتنی بر آزادی روح انسان است. او بزرگترین شاعر عدالت، آزادی، عشق و انسانیت است. گفتنی است که چارچوب نظری پژوهش حاضر در این مقاله مورد بحث قرار گرفته و سپس سؤالات، اهداف و مقاصد تحقیق، روش‌های پژوهش و جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و تفسیر داده‌ها بیان شده و افزون بر این مقدمه‌ای مختصر دربارۀ مولانا، نقش مثنوی مولانا در زندگی اجتماعی بنگال، تأثیر مولوی بر بشریت و جامعه، درگیری مولانا با جامعه، دین و انسانیت مولانا، نتایج تحقیق و مسئلۀ مشارکت، نتیجه‌گیری و مراجع و غیره در این مقاله برجسته و مطرح شده است.

مروری بر ادبیات و چارچوب نظری

داده‌ها از کتاب‌های ذکر شده در بخش «منابع» برای عنوان تحقیق مورد بحث جمع آوری شده است. همچنین در این تحقیق اطلاعات مختلفی از اینترنت گرفته شده است. بیشتر این اطلاعات تحقیقی نیست بلکه مورد بحث است. اگرچه برخی از اطلاعات قابل تحقیق است، برای تحقیقی با عنوان «تأثیر مولانا بر بشریت و جامعه» کافی نیست. تمام کتاب‌ها و مقالاتی که تاکنون در این زمینه نوشته شده است، هیچ یک به تنهایی نتوانسته عنوان پژوهشی «تأثیر مولانا بر بشریت و جامعه» را بیان کند. بنابراین این مقالۀ پژوهشی در پرتو اطلاعات جدید تکمیل شده است.

سؤالات و اهداف تحقی

سؤالات تحقیق

الف) به چه کسانی مولوی می‌گویند؟ ب) انسانیت چیست؟ ج) مثنوی چیست؟ د) سهم مولانا در رفاه بشریت چیست؟ ه) تأثیر مولانا چگونه در جامعه منعکس شد؟ و) مثنوی مولوی چگونه در همه جای جامعه اجرا می‌شود؟ ز) در مورد مولوی و مثنوی او تاکنون در بنگلادش چه تحقیقی انجام شده است؟ ح) دین انسانی مولانا چیست؟

اهداف و مقاصد پژوهش

الف) برجسته ساختن هویت مولوی؛ ب) سهم مولانا، مثنوی‌سرای فارسی، در رفاه بشریت؛ ج) برجسته کردن تأثیر کار مولانا در بافت اجتماعی بنگلادش؛ د) مروری بر مولوی و مثنوی او در بنگلادش؛ ه) تدوین برنامه درسی در مورد «موضوعات مرتبط» برای دانشجویان دانشگاه در پرتو تحقیق در مورد موضوع مورد بحث.

روش تحقیق

الف) از کتابخانه‌های مختلف بنگلادش برای جمع آوری اطلاعات برای مقاله بحث بازدید شده است؛ ب) کتاب‌ها و مقالات مختلف مرتبط با عنوان مطالعه شده است؛ ج) موضوعات مرتبط با تحقیق در اینترنت مطالعه شد؛ د) اطلاعات و داده‌های لازم به صورت «نقل قول» نوشته شده و با ارزیابی در پرتو روش تحلیلی (Analytical Method) از طریق پیمایش، ارزیابی و تحلیل قضاوتی در پژوهش درج شده است؛ ه) گزارش با بررسی داده‌های مختلف مربوط به تحقیق و یافتن نتایج ارائه می‌شد؛ و) مقالهٔ پژوهشی به زبانی ساده و روان نوشته شده است تا خواننده به راحتی معنای آن را بفهمد.

جمع آوری، تجزیه و تحلیل و تفسیر داده‌ها

معرفی مختصر مولوی

مولوی (۳۰ سپتامبر ۱۲۰۷-۱۲۷۳م) در بلخ خراسان به دنیا آمد. از طرف پدر از نوادگان خلیفه اول اسلام حضرت ابوبکر (رض) و از طرف مادری محمد خوارزمشاه حاکم خراسان جد بزرگوارش بود. او آمیزه‌ای از خون ترکی عربی و خوارزمی در رگ‌هایش داشت و بعدها نزدیک به پنجاه سال را در قونیه، بخشی از ترکستان خاص گذراند، اما حتی یک کلمه ترکی در آثارش به کار نبرد (عبد المودود،۱۹۸۴: ۱۶۵). طبیعت او از کودکی عمیق بود. دوست نداشت با همکلاسی‌ها ورزش کند. همیشه درگیر بحث‌های دینی و معنوی بود. از شش سالگی شروع به روزه گرفتن کرد. در هفت سالگی در هنگام تلاوت متدین آیات قرآن با صدایی دلنشین اشک جاری شد. او پس از تلاوت قرآن برای خدا سجده می‌کرد (برکت الله، ۱۹۸۹: ۱۸۹). در دوران دانشجویی به قدری در زبان عربی، فقه

و تفسیر تبحر پیدا کرد که اگر حتی هیچ مشکل سختی را حل نمی‌کرد، باز هم به مولانا مراجعه می‌کردند (منصورالدین، ۱۹۷۸: ۱۴۰). صفا، استعداد فوق‌العاده، مقام شاهانه، شجاعت، مسئولیت خطیب و مبتکر معنوی، مورد احترام مردم از هر قشری بود (عیسی شاهدی، ۲۰۱۵: ۹).

مولوی بدون شک یکی از آن شخصیت‌های جهان شمول است که شرح حال، ادبیات و اندیشه-اش به طور عمیق مورد تحلیل قرار گرفته است. مشهورترین ادبیات مولوی مثنوی است، اثری منحصر به فرد که ما را قادر می‌سازد تا دنیای وسیع اندیشه او را درک کنیم. در زمان مولانا (قرن سیزدهم) جهان مملو از بی‌ثباتی، درگیری و نقض حقوق بشر بود. روابط اجتماعی و صمیمیت او با مردمان گسترده بود. مشکلات جامعه و بشریت در پرتو فلسفه مولانا قابل حل است. او خردمندی چندوجهی بود که در شعر او منعکس شده است. شعرهای او در کشورهای مختلف دنیا ترجمه می-شود. این شاعر صوفی پس از گذشت این همه سال همچنان در جامعه محبوب است. شعر او با فراتر رفتن از محدودیت‌های زمان و مکان، فرهنگ، ارتباط همیشگی خود را ثابت کرده است. جویل ویزلال می‌گوید:

مثنوی جلال الدین با حدود بیست و هفت هزار مبحث یکی از بزرگ‌ترین اشعار جهان است. این شعر به شش کتاب تقسیم شده است که اولین آن در سال ۱۲۶۰ شروع شده است. کل دیوان قبل از وفات وی به اتمام رساند و یکی از بزرگ‌ترین یادگارهای نبوغ و آرزوهای بشری به جای گذاشت. سرعت پرشور عمیق، اشتیاق فوق‌العاده، زیبایی بی‌نظیر، آموزه‌های اخلاقی بالا، وقار شدید سبک، درخشندگی رنگ‌آمیزی و ملودی بی‌نقص، آن را بی‌تردید به یکی از قدرت‌مندترین کتاب‌ها تبدیل کرده است. یک ایده‌آلیسم شدید تمام اثر را فرا می‌گیرد و به آن جذابیت وصف ناپذیری می-بخشد (جویل ویزلال : ۱۳۱).

دیوان شمس تبریز، مثنوی، رباعیات و فیه ما فیه از جمله کتاب‌های مولوی مشهور است (آربری، ۱۹۵۴: ۲۲۵). وی در این کتاب به بیان تعلیم و تربیت و فلسفه زندگی شمس تبریزی در قالب غزل پرداخته است. مثنوی بزرگ‌ترین کتاب اوست. کتاب در شش فصل یا دفتر تنظیم شده است. او از انواع ریتم‌های تقریباً همه شاعران پارسی‌گو استفاده کرده و ۴۸ نوع ریتم را در اشعار خود ارائه کرده است. از ویژگی‌های مهم شعر او می‌توان به موسیقی حماسی، تصاویر واقعیت، شادی و غم، درگیری، ساختارهای جدید عرفان، تلمیحه‌های متعدد (کنایه‌های غیر مستقیم)، زبان نمادین و معنویت گرایی و... اشاره کرد (سراجی و عیسی شاهدی، ۲۰۰۷: ۹۲).

مثنوی یک کتاب سیاست جمعی نیست. از این کتاب، هندوها، مسلمانان، یهودیان، مسیحیان، همه تشنگان می‌توانند از جریان پایان ناپذیر و بی پایان عشق لذت ببرند. هیچ بحثی در مورد مناسک، احکام یا پوشش بیرونی دین وجود ندارد. ذات مثنوی عشق است. موضوع اصلی این کتاب وحدت و عشق بین روح انسان و روح متعالی است. مولوی معتقد بود که تمام جهان آفریده یک خداست. شعر او نشان دهنده سخاوت جهانی است. در مملکت عشق، هیچ طبقه، طبقه و تمایز ملی وجود ندارد، این امر به وضوح در مثنوی مولانا رومی آشکار شده است (برکت الله، ۱۹۸۹: ۱۸۹).

این شعر در جامعه اسلامی چنان جایگاه والایی دارد که در همه جا به مثنوی شریف معروف است (شمس الرحمن، ۲۰۰۲: ۴۴). مولوی در شب‌ها ابیات مثنوی خود را با احساسات عمیق می-خواند و حسام الدین آن اشعار را می‌نوشت. از منظر ادب و هنر دیوان او رفیع است اما مثنوی اقیانوس بیکران معرفت معنوی، گوهر میانی تصوف است. در این کتاب که قرآن فارسی نام دارد، مباحث مهمی در زمینه مسائل دینی، اخلاقی، اجتماعی و فلسفی آمده است (سرکار، ۲۰۱۴: ۱۷۵). شعر تمثیلی جایگاه مهمی در جست و جوهای معنوی صوفیان مشهور جهان دارد (شیو پروشاد شور، ۲۰۱۶: ۱۲۲). شعر دیگری نیست که مانند مثنوی و دیوان او شور و مستیِ مشابهی داشته باشد. فقط دیوان حافظ با آن قابل مقایسه است. علاوه بر این، او با آموزه‌ها و نصایح قرآن و حدیث از طریق داستان‌هایی که در یک کلمه نمی‌گنجند، به مضامین زیبا و موزون پرداخته است. جوهرهٔ شعر او چنان گیرا است، تعبیر او از عشق الهی چنان دیوانه‌کننده است که نمی‌توان آن را با کلمات زبان بیان کرد (غلام رسول، ۲۰۱۳: ۵۴-۵۵).

مثنوی مولوی در زندگی اجتماعی بنگال

اندیشهٔ مولانا در شبه قارهٔ هند در زمان سلطان ولید شناخته شده بود. سیرهٔ مولوی، اخلاق او گسترش یافت. شعر او تأثیری ماندگار در منطقه داشته است. این تأثیر به حدی بود که هندو برهمان رومن مورخ قرن پانزدهم نیز به مطالعهٔ مثنوی پرداخت. از سال ۱۲۰۳م. زبان و ادبیات فارسی به عنوان زبان اداری در بنگال مطرح شد. گسترش و نفوذ اندیشهٔ مولانا در جامعه این منطقه آسان بود. وی با اشاره به ملودی معنوی در مثنوی می‌گوید: «بشنو از نی چون حکایت می‌کند». نی مولانا با مقایسهٔ آن با فلوت به بنگالی ترجمه شده است. گوش کن فلوت/ نی چه می‌گوید؟ صدای بانشی مولانا در پی رهایی روح افسون شدهٔ انسانی است. با صدای فلوت، روح انسان جذب می‌شود.

با دیدن روح انسان که جذب ندای فلوت می‌شود، اسیر عشق به چیزهای بی‌اهمیت می‌شود، در حالی که هدف زندگی عشق به پروردگار است، عشقی که انسان را از همه چیزهای بی‌ارزش رهایی می‌بخشد (یوسف، ۲۰۰۴: ۴۴).

نی زنده است و در سنت به عنوان یک ساز معنوی و عرفانی استفاده می‌شود. از سال ۱۵۰۰م. *دیوان شمس تبریزی* و *مثنوی مولوی* در زندگی اجتماعی بنگال شهرت فراوان یافت. تأثیر فزاینده اندیشهٔ مولانا بر ادبیات فارسی و اردو در بنگال از سال ۱۵۲۶م. تا اواسط قرن نوزدهم قابل توجه است. در دورهٔ سلطان نشینی، به ویژه در دورهٔ مغول، شخصیت‌های متعددی بودند که به مطالعهٔ ادبیات شعری مولانا پرداختند. اعضای خانواده حاکمان نیز در این زمینه نقش پیشرو داشتند. جهان آرا، دختر شاه جهان، دانشمندان مختلفی را مأمور تحلیل تفسیر مثنوی مولانا کرد. در بنگال در قرن هفدهم و هجدهم هیچ شعری را نمی‌توان یافت که بدون تأثیر مثنوی در ادبیات فارسی سروده شده باشد. افکار او در ادبیات عامیانه نیز بازتاب گسترده‌ای دارد. مولانا در مصراع ۱۷۰۴ باب اول مثنوی از آب می‌گوید: «تنها برای تشنگی آب می‌جویند اما آب تشنه را هم می‌طلبد.» در زمان حکومت مسلمانان با احترام در کتابخانه‌های مذهبی بنگال جلسهٔ قرآن، مثنوی و دیوان حافظ برپا می‌شد.

شاعران صوفی پارسی از جمله مولانا و حافظ نیز بر متفکران اروپایی تأثیر گذاشتند. در میان آنها شاعران آلمانی گوته، روکرت (*Ruckert*)، گراف پلاتن (*Graf Platen*) هستند. آثار روکرت متاثر از شعر و اندیشهٔ شاعران شرق بود. او اولین کسی بود که ژانر غزل را در ادبیات آلمانی معرفی کرد. بسیاری بعداً تحت تأثیر قرار گرفتند، از جمله Platan یونانی. او اولین کسی بود که در میان آلمانی‌ها اشعار عرفانی مولانا را منتشر کرد و حافظ نیز از اصحاب انجیلیان او بود. هگل فیلسوف آلمانی به مولانا به عنوان یک نابغه ادای احترام کرد. متفکران و نویسندگان دیگری مانند نیکلسون، آربری، پالمر (قرن چهارم)، وینکیلد، براون، هادلند، دیویس استعداد و شعر مولانا را ستوده‌اند (غلام رسول، ۲۰۱۳: ۶۵-۶۶). تمرین مثنوی آنقدر گسترده بود که حتی کریشنا با شور و اشتیاق فلوت مولانا رومی را می‌نواخت. پروفسور براون تاریخ ادبیات فارسی، سبک تمدن، زیبایی فرهنگ را به گونه‌ای زیبا، دلگرم کننده و از نظر تاریخی علمی ارائه کرده است. در آن تمام هویت یک ملت به طرز درخشانی آشکار می‌شود. او اعتقاد کمی به جریان اصلی مسیحیت داشت. وقتی دلش پر از شفقت و همدردی شد، وقتی سرگردان و سرگشته از عالم دانش بازگشت، نوای نی شاعر صوفی ایرانی مولانا رومی، غزل شاعر عاشق حافظ را شنید. نسیم مست بهار مانند آهنگ غزل حافظ است و نسیم ملایم صبحگاهی چون موسیقی فلوت مولانا. مولانا از حافظ نزد او عزیزتر شد. به تدریج به تحصیل تصوف

علاقه‌مند شد. در نتیجه عمل به تصوف، مذهب او به کلی تغییر کرد. او دیگر آن شکاک (sceptic) سابق نبود. عصای زرین تصوف مولانا انسان واقعی را در درون او بیدار کرد. تصوف دین عشق است. در قلمرو عشق خشونت، نفرت و تبعیض وجود ندارد. شعار عشق مولانا همه را به یک اندازه الهام می‌بخشد. در مطالعهٔ مثنوی مولانا نگرش او کاملاً خوش بینانه شد (optimist). او آرامش و اعتدال را به دست آورد. او تاریخ *شاهنامه فردوسی*، *رباعیات عمر خیام*، *گلستان و بوستان سعدی*، *لیلی مجنوی نظامی*، *مثنوی مولانا* و... را به زبانی بسیار دلنشین نقل کرده است (منصورالدین، ۱۹۷۸: ۳۶۵-۳۷۰). شاگرد اصلی مولانا در شرق شاعر اقبال بود. اقبال می‌گوید:

مرشد رومی حکیم پاک زاد　　سر مرگ و زندگی بر ما گشاد

پژوهش مولوی در بنگلادش:

تأثیر مولوی بر جامعهٔ بنگال به قدری گسترده بوده است که از قدیم الایام در این منطقه کتاب‌های مختلف و مقالات پژوهشی متعددی در مورد آثار ادبی مولانا منتشر شده است. از جمله این موارد؛

سید احمدالحق، صوفی پژوه بنگلادشی و مولوی‌شناس (تولد: ۱ سپتامبر ۱۹۱۸-درگذشت: ۵ سپتامبر ۲۰۱۱) به دلیل تحقیقات گسترده در مورد مولانا، به عنوان «مولوی بنگال» شهرت یافته است. وی در سال ۱۹۹۲م با هدف ترویج و گسترش مطالعات مولانا و مثنوی و انجام تحقیقات گسترده در این زمینه و مورد تصوف، مؤسسهٔ صوفی پژوهی «انجمن علامه رومی» را تأسیس کرد (یادبود، ۲۰۱۳: ۱۴). الان هم جانشینان او در هفتهٔ اول هر ماه بحث مثنوی‌خوانی را ادامه می‌دهند. از دیگر آثار مربوط به مولوی منتشر شده عبارتند از:

از دکتر محمد عیسی شاهدی، مقاله‌نویس، نویسنده، شاعر، ادبی و مولوی‌پژوه مشهور بنگلادش: ترجمهٔ مولانا رومی (ره): ترجمه و تحلیلی به نام *مثنوی شریف*؛ *دیوان شمس تبریز* ؛ کتاب معروف *دلخراش عرفان معرفت مولوی* توسط آقای مشتاق احمد؛ کتاب *افسانه تصوف* از دکتر محمد غلام رسول؛ *فلسفهٔ تصوف* از چودوری شمس الرحمان، *نابغه ایرانی*، از محمد برکت الله؛ *تاریخ کوتاه ادبیات فارسی: بازنگری* از تنویر احمد؛ *شاعر ایران* از محمد منصورالدین؛ *ابن عربی و جلال الدین رومی* اثر محمد سلیمان علی سرکار؛ *مسلم منیشا* اثر عبدالمودود؛ *متفکران مسلمانی که جهان را*

تغییر دادند نوشتهٔ منیر توفیق؛ *مثنوی مولوی* توسط ازهر علی بختیار؛ *مثنوی مولوی* از فیض الدین یوسف؛ *داستان مثنوی* از خلیل الرحمن؛ *ترجمهٔ مثنوی مولوی* از عبدالوحید؛ *مثنوی مولوی* از قاضی اکرم حسین؛ مثنوی مولوی از منیرالدین یوسف؛ *ترجمهٔ مثنوی مولوی* از مولانا عبدالمجید؛ *داستان مثنوی مولوی* از نذرالحق؛ *شرح مثنوی* از مولانا عزیز حق؛ *عاشق مولانا* از شمس الدین محمد اسحاق، *ترجمهٔ مثنوی به نثر* از مولانا شاه صوفی سید عبدالسلام ایساپوری؛ *ریش سلطان* محمود در پرتو داستان مثنوی از استاد فرید الدین خان؛ *مثنوی مولوی* اثر عبد ستار.

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا معروف به «مادر ادبیات فارسی در بنگلادش» دکتر کلثوم ابوالبشر (متولد ۱۹۴۷م) کتاب ۱۷۸ صفحه‌ای با عنوان *زبان و ادبیات فارسی در بنگلادش* نوشته‌اند با اطلاعاتی از معلمان و محققان دانشگاه‌های بنگلادش و ضمنا در مورد مولانا رومی تحقیق کرده‌اند (ابوالبشر، ۲۰۱۵: ۱۷۱). زیر نظر وی، استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رجشاهی دکتر نورالهدی اولین کسی بود که در سال ۲۰۰۲م. در بنگلادش با نوشتن رسالهٔ دکتری تحت عنوان «مثنوی جلال الدین رومی: زندگی-فلسفه و معنویت» مدرک دکترا را از دانشگاه داکا دریافت کرد (سرکار، ۲۰۲۰: ۴۷). ایشان استاد راهنمای رساله دکتری محمد شاه جلال با موضوع «تأثیر قرآن بر مثنوی مولوی» هم بودند (سرکار، ۲۰۲۰: ۴۳).

کتب و مقالات پژوهشی منتشر شده دربارهٔ مولوی عبارتند از: *پژوهش مولوی: سهم سید احمدالحق* از دکتر. ک. م. سیف الاسلام خان (متولد ۱ ژانویه ۱۹۷۲)؛ *شاعر صوفی مولانا رومی* از دکتر ابوموسی محمد عارف بالله (متولد ۱ مارس ۱۹۶۶)؛ بحثی در مورد مولوی در صفحات ۹۲ تا ۹۴ در کتاب *تاریخ ادبیات فارسی* اثر احمد تمیم‌داری مترجمان پروفسور دکتر طارق ضیاء الرحمان سراجی (متولد ۱۵ فوریه ۱۹۷۵) و دکتر محمد عیسی شاهدی؛ *مولوی در فلوت نواز روح* از پروفسور دکتر عبد صبورخان (متولد ۱ ژانویه ۱۹۷۵)؛ پژوهش در کتاب *ادبیات، ترجمهٔ فارسی در بنگلادش: ۱۹۷۱-۲۰۰۵*م. در صفحات ۲۶۵ تا ۲۷۲ با ترجمهٔ مثنوی مولوی، داستان مثنوی، مثنوی مولوی توسط دکتر ابوالکلام سرکار (متولد ۱ ژانویه ۱۹۸۰)؛ پایان نامه‌ای با عنوان *مولوی و سهم سید احمدالحق در ادبیات معنوی در بنگلادش*. پروفسور دکتر بهاءالدین (متولد ۱ فوریه ۱۹۷۹م) در سال ۲۰۰۴م. مدرک کارشناسی ارشد خود را از دانشگاه داکا گرفت و پایان نامه‌ای به عنوان *سید احمدالحق و تصوف در بنگلادش* در سال ۲۰۱۰م. نوشت و مدرک دکترای خود را از همان دانشگاه دریافت کرد. کتاب‌ها و مقالات پژوهشی مختلف وی منتشر شده در مورد مولوی؛ *مثنوی مولوی به*

مثابه اخلاق ممتاز و *چهرهٔ شمس تبریزی و مولانا در بنگلادش* از دکتر ممیت الرشید (متولد ۲۸ فوریه ۱۹۸۱) منتشر شد.

دکتر محمد نورالهدی استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رجشاهی (متولد ۱ مارس ۱۹۷۱) اولین کسی بود که در سال ۲۰۰۲م. در بنگلادش مدرک دکترای خود را با عنوان *مثنوی جلال الدین رومی: فلسفهٔ زندگی و معنویت* از دانشگاه داکا دریافت کرد و چندین مقالهٔ پژوهشی در مورد مولوی منتشر کرد. *جلال الدین رومی : شاعر و صوفی*، *شمس تبریزی: تأثیر وی بر جلال الدین رومی* توسط دکتر محمد کمال الدین (زاده ۱۰ ژانویه ۱۹۷۷م)؛ مقالات پژوهشی به عنوان *نفوذ شمس بر مولوی*، *چهرهٔ شمس تبریزی و مولانا در بنگلادش*، عشق در فلسفه مولوی، مولوی پژوهی در بنگلادش، مولوی و شمس در نگاه ادیبان بنگالی توسط دکتر محمد نورعالم؛ مقالات پژوهشی به عنوان *تأثیر مثنوی رومی در سراسر جهان* از پروفسور دکتر رضوانه اسلام شامی (متولد ۲۷ ژانویه ۱۹۸۰)؛ *معنویت در شعر علامه رومی* اثر دکتر عبدالقادر استاد گروه عربی دانشگاه چیتاگونگ؛ پایان‌نامه‌ای با عنوان *تاثیر قرآن بر مثنوی مولوی نوشتهٔ* آقای دکتر شاه جلال (زاده ۱ فوریه ۱۹۷۴ میلادی) که با آن مدرک دکتری خود را از دانشگاه داکا اخذ کرد.

استناد به احادیث و آیات مثنوی در مجالس واجب النصیح و مباحث فکری در بنگلادش بسیار رایج است. اگر در مراسم مذهبی بنگال مثنوی خوانده نشود، مراسم مذهبی ناقص می‌ماند.

تأثیر مولوی بر بشریت و جامعه

مولوی بزرگترین شاعر و عارف قدیس ایرانی است که با اندیشهٔ خود نه تنها ایرانیان بلکه جهان را روشن کرد. او توانسته است با عشق الهی دل بندگان خدا را قانع نماید. محتوای شعر او بسیار قوی و پر معنا است. هیچ شاعر بنگلادشی نیست که تحت تأثیر شعر او قرار نگرفته باشد. او با آوردن تشبیهات و داستان‌های گوناگون در مثنوی و ابراز احساسات و عشق در دیوان شمس توانست بر اقشار و جناح‌های مختلف جامعه تأثیر بگذارد. این تاثیر موقتی نبود؛ آن‌قدر عمیق بود که بر جامعهٔ امروزی ما تأثیر گذاشت. وسعت نگرش، اندیشهٔ بلند و عمیق مولوی یکی از دلایل تأثیرگذاری او در جامعه است. اندیشهٔ او محدود به شخص یا گروه خاصی نبود. فلسفهٔ او جهان را روح تازه‌ای بخشید.

از نظر او انسان در نقطه‌ای قرار می‌گیرد که زندگی و دنیا را تجربه می‌کند. وی انسان ها را از پلیدی به پاکیزگی و معنویت رساند تا در مبارزۀ حق شناسی بر باطل غلبه کنند.

با این حال، جهان امروز به فناوری متمایل است و انسان‌ها را بیش از پیش به مادی‌گرایی خشک می‌کشاند. اما در عین حال در درون انسان عطش معنویت به طور مداوم در حال افزایش است. این معنویت را در مولانا یافته‌ایم. مولانا فقط برای مسلمانان نیست؛ او همچنین محبوب و مورد احترام مسیحیان و یهودیان است. مولوی دانش گسترده‌ای به زبان‌های مختلف داشت. تسلط او به زبان عربی را می‌توان در حدود ۲۰۰ غزل به ویژه در زبان عربی مشاهده کرد.

حقوق بشر یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام‌های حقوقی جهان است. در متون مختلف حقوقی به دقت تصریح شده است که پنج حقوق اساسی حیثیت، زندگی، آزادی، آموزش و پرورش و عدالت به عنوان اصول کلی شناخته شده است. مولانا بر اساس آموزه‌های قرآنی این پنج حق را تدریس می‌کرد. از نظر مولانا انسان موجودی است که دارای آگاهی (از خود و جهان) است. او راه حل انواع مشکلاتی را که ممکن است مردم در جهان با آن مواجه شوند در پرتو مثنوی بیان کرد (حق، ۲۰۱۳: ۳۸).

مولانا هیچ چیز در جامعه را به عنوان شر نمی‌پذیرفت. خداوند هیچ چیز را بیهوده خلق نکرده است. حقیقت، عدالت، فضیلت و هر آنچه شریف و زیباست، مستلزم بی‌عدالتی، گناه، باطل، ظلم است. از طریق تضاد است که حق بر باطل، عدالت بر بی‌عدالتی، فضیلت بر گناه، فضیلت بر فساد پیروز می‌شود. در غیر این صورت، بین زیبا و زشت فرقی نیست، بین حق و باطل تفاوتی وجود نخواهد داشت. همه یکی می‌شدند. آن گاه دنیایی که برای تنوع شیرین است، که آفرینش برای رمز و راز آنقدر زیباست، آن دنیا و خلقت یکنواخت، کسل کننده و بی‌تنوع می‌شود. خلقت هدفی نداشت. مولانا این راز خلقت خداوند را به همه افراد جامعه آموخته است. خوب ما نمی‌توانیم انتخاب کنیم. پس شر فقط برای ما قابل مشاهده است. چیزهای زیادی وجود دارد که ما آن‌ها را به عنوان شیطان از خود دور می‌کنیم. در واقع بد نیست لعن و نفرین گاهی نعمت است، صدمات گاهی ثواب. آواز و موسیقی انسان عادی را به بیراهه می‌کشاند اما شادی بی‌نظیری را برای انسان معنوی به ارمغان می‌آورد. بنابراین، خوب و بد بستگی به نحوۀ دریافت ما، به تحصیلات ما، به قلب ما دارد (غلام رسول، ۲۰۱۳: ۷۲-۷۳).

به قول مولانا، فهم یکدیگر مستلزم تواضع است. او از غرور آموزشی که منجر به رکود می‌شود، جلوگیری می‌کند. اندیشهٔ منفی منجر به نفرت، خشونت، طمع و غیره می‌شود و مانع بالقوه انسان می‌شود. بنابراین برای درک معنای درونی زندگی انسان باید افکار منفی را که باعث تاریکی قلب انسان به شمار می‌رود از بین برد. دین انسانی مولانا شامل ایجاد پیوندهای روابط انسانی مبتنی بر عشق، تشویق به هماهنگی بین ادیان و منشأ مشترک همهٔ انسان‌هاست. به این ترتیب حس کرامت را برای بشریت فراهم می‌کند. اندیشهٔ او همچنین زمینه‌ای برای مفهوم برابری انسان فراهم کرد.

مفهوم کرامت انسانی در دوران معاصر با حقوق بشر ارتباط مستقیم دارد. اصل حقوق بشر حفظ کرامت انسانی است. در نظر مولانا انسان قلب عالم است؛ پس اولویت او از نظر کرامت بالاترین است. انسان‌ها فقط موجودات زمینی نیستند. انسان نیز موجودی روحانی است. انسان نقش ویژه‌ای در نظام اجتماعی دارد. در توصیف مولانا از انسانیت، انسان به عنوان «شرافتمندترین مخلوق روی زمین» شناخته می‌شود. خداوند به طور هدفمند انسان را آفرید، از روح خود در او دمید و غذا و همه مایحتاج زمین را به او عنایت کرد.

دخالت مولانا با جامعه

افراد جامعه با مولانا درگیر بودند. درونگرا و ساکت نبود. او از توبه شدید متنفر بود. دوست داشت نماز جماعت بخواند و بر منبر مسجد نشسته خطبه بخواند. او بیشترین اهمیت را به مسجد می‌داد. او نسبت به مشکلات اجتماعی زمان خود بی‌تفاوت نبود. او گفت:

من به هر جمعیتی نالان شدم جفت بدحالان و خوش حالان شدم

(بلخی، ۱۳۷۳: ۱۳)

نگفت من گوشه نشین شدم و از معاشرت بدم می‌آمد. اطرافش را مردمی با هر خلقی و خصوصیتی احاطه کرده بودند. با همه ارتباط اجتماعی داشت. او که غرق در تعقیب امر متعالی بود، زندگی و دنیا را تحقیر نمی‌کرد. او همچنین ارزش مناسب زندگی و دنیا را درک کرد. زیرا اهل جامعه، این زندگی و دنیا از او جدا نیست؛ این بهشت عشق عالی با دور انداختن پیوندهای اجتماعی، آداب و رسوم، افراد جامعه نمی‌توان به کمال رسید. اگر خلقت را دوست نداشته باشید، نمی‌توانید خدا را دوست داشته باشید. خداوند متعال این جهان را آفریده است تا خود را برای همه عاشقان

آشکار کند. در سراسر جهان روز و شب در هر ذره (آنو پارامانو) امواج سبز زیبایی جهانی او می‌نوازند (غلام رسول،۲۰۱۳: ۵۴-۵۵). به گفتهٔ وی، همهٔ افراد جامعه باید هدف اصلی و هدف مورد نظر خود را جستجو کنند. دوری از خرافات لازم است. در همه جا و با همه دلسوز، دلپذیر و ملایم باشید. زندگی را باید با شفقت زندگی کرد. نه با فحش دادن، توهین و آزار کسی.

همه چیز از خدا سرچشمه می‌گیرد، همه چیز به سوی او باز می‌گردد و سرانجام همه چیز با او یکی و متحد می‌شود و همه چیز در او کامل می‌شود. حرکت بی‌وقفهٔ آمدن و رفتن، چرخش و تکامل، تولد و مرگ تا زمانی که فرد با وجودش متحد شود ادامه خواهد داشت. تصویر زنده از اشتیاق و آرزوی آشتی عاشق و معشوق در ادبیات او پدیدار شده است (مشتاق احمد، ۲۰۱۵: پیشینه). مولانا به تدویر اعتقاد داشت، هرچند به غیب یا تقدیر اعتقاد داشت. او ارتباط خود را با افراد جامعه حفظ کرد. با وجود توکل بر خدا تلاش می‌کرد. این قانون قرآن و حدیث است. مولانا گفت:

گفت پیغمبر به آواز بلند — با توکل زانوی اشتر ببند
رمز الکاسب حبیب الله شنو — از توکل در سبب کاهل مشو
(مثنوی دفتر اول)

مذهب انسانی مولوی

مولانا خود را به مذاهب حنفی و شافعی یا هیچ مکتب خاصی از عرفان محدود نکرد. با انتساب او به دینی خاص، نباید جنبه‌های جهانی اندیشه او را تضعیف کرد. او نسبت به اختلافات مذهبی بسیار آزاده و با دید باز بود. راه او به رهایی و روشنایی و سعادت اخروی منتهی می‌شود. دین مولانا با همه ادیان دیگر متفاوت است. آن عشق نجوم اسرار خداست، آن عشقی است که آسمان را می‌شکافد، زمین را می‌لرزاند، دریا را می‌جوشاند، کوه‌ها را مانند شن می‌جوشاند، خورشید ذره‌ای پنهان می‌بیند و زمین فرو می‌ریزد، عشقی که از علایق چشم‌پوشی می‌کند، به مردم می‌آموزد عشق ورزی دین مولانا است و عشق در میان شعله‌های آسمانی و امواج بی‌پایان نورانی جای دارد.

مولانا فیلسوف نیست، اما اندیشهٔ فلسفی او به عمیق‌ترین فلسفه بزرگ جهان نزدیک است. اما او نیز مانند همهٔ متفکران افکار فلسفی داشت. وسعت اندیشه بزرگ مولانا را نمی‌توان تنها در ذهن و زبان ما گنجاند، بلکه انسان را غافلگیر می‌کند. او جز اقیانوس پهناور عشق به هیچ وادی سفر نکرده

است. او به مرحله‌ای رسیده است که آخرین مرحلهٔ سفر است. این مرحلهٔ پیوند عاشق و معشوق است. زهد و راهنمایی خلق در کنارِ عشق به دیگران است.

مولانا قبل از هر چیز یک «عاشق» است. از زهد صوفیانه متنفر بود. او از زهد صوفیانه به عالم عشق و زیبایی گام نهاد. او به پیروی از اندیشه خاصی شعر نمی‌گفت زیرا شاعر و عاشق واقعی هرگز با اندیشه‌های از پیش تعیین شده شعر نمی‌سراید، بلکه خود شعر می‌آید و شاعر به سادگی آن را دریافت می‌کند. عشق او دریای بی‌کران و پرنده‌ای در آسمان است که زیر گنبد زمین نمی‌گنجد. او معلم روح است که بصیرت در مکتب او آموخته می‌شود. عشق الهی در تدریس خود کلید همه آرزوها، امیدها و آرزوهای ماست (عبدالمودود، ۱۹۸۴: ۱۷۲). درک اینکه او در مورد رابطهٔ بین اعضای بدن، روح و قلب چگونه می‌اندیشد مشکل است. ما از درک عمیق او و درک ابعاد معنوی و فکری او ناتوان و سرگردان هستیم. ما در این زمینه فاقد دانش هستیم. به قول مولانا عشق جاودانه است اما کفر و اسلام دیرتر آمد. عشق تنها اکسیری است که انسان را به کرامت انسانیت می‌رساند و او را از طمع و غرور می‌رهاند. او فردی درون‌نگر بود. او عشق را بالاتر از هر دینی می‌داند. به گفتهٔ او عشق کیهانی فراتر از همه آیین‌ها و فلسفه‌هاست.

گرچه انسان از نظر جسمانی جزئی از جهان مادی است، اما انسانیت گرانبها و آگاهی والای خدادادی او را به مقامی والایی در عالم طبیعت رسانده است. همزیستی جسم و روح در این موجود متعالی نکتهٔ بسیار لطیف و دقیقی است که مولوی آن را با لطافت بیان کرده است. او ریشه‌ها، مرزها، خواسته‌ها، هیجانات، انرژی، غذا و چربی هر یک را به طرز درخشانی تجزیه و تحلیل می‌کند. انسان با دردناک‌ترین صحنه زندگی‌اش روبرو می‌شود که جسم و روح درگیر می‌شود. سقوط انسان از موقعیت بالا، به دام افتادن امیال شیطانی و فراموشی «خود واقعی» انسان در این سناریو رخ می‌دهد. مولانا در این موقعیت مخاطره آمیز توصیه می‌کند که به حقیقت برگردیم و به کمال برسیم.

انسان در اندیشهٔ عرفانی مولانا حامل امانتی گرانبها است. انسان بر تمام هستی برتری یافته است. به خاطر همین امانت سنگین است که به مقام خلیفه الله در زمین رسیده است. در این دیدگاه، انسان انگل جهان به حساب نمی‌آید. او را اصل غایی هستی و میوهٔ شیرین درخت هستی می‌دانند. کل هستی را باید با همهٔ زیبایی و شگفتی و رمز و رازش در نظر گرفت تا موجودی به نام انسان به وجود بیاید، با روح انسانی خود در جهان بزرگ باشد، بر جهان حکومت کند.

مثنوی مولانا الهام گرفته از جست‌وجوی عرفانی و الهی قرآن کریم است که در قالبی شاعرانه و قلبی بیان شده است. مثنوی شریف او مشتمل بر الهام از دو سوم آیات قرآن است. مولانا آیات بلند قرآن را در مثنوی شریف با سیرۀ معصومین (علیهم السلام) و با نبوغ علمی و عرفانی ترکیب کرد. او اسرارآمیزترین موجود در بین موجودات است که مردم فراموش شده و گرفتار شده را به جوهر واقعی خود راهنمایی می‌کند. او دریچه‌ای به جهان روی چشمان آدمی می‌گشاید. سفر خود را از نقطه‌ای (مبدأ) آغاز می‌کند و به نقطه‌ای دیگر (قیامت) ختم می‌شود. او نقش وجودی انسان را به خوبی نشان داده است. اگرچه انسان از نظر جسمانی جزئی از جهان مادی است، انسانیت و روح والای خدادادی او را بسیار بالاتر از جهان طبیعی قرار می‌دهد. هدف اصلی مولانا تمرین معنویت بدون توجه به زبان و سبک و بیان بود. تنویر احمد می‌گوید:

مولانا بر خلاف بسیاری از شاعران قرون اولیه به زبان و لحن و عبارات توجه چندانی نداشت. او به ندرت برای قافیه فداکاری می‌کند. او در مورد قافیه به خاطر خودش نظر ضعیفی دارد، زیرا هوای اصلی او بیان احساسات خود در رابطه با فلسفه مادی و معنوی زندگی بود (تنویر احمد، ۱۹۹۱: ۱۷۵-۱۷۶).

یافته‌ها و مشارکت‌های تحقیق

نتایج تحقیق: در این بخش می‌توان گفت که شعر مولانا اندیشه‌های قوی در مورد زندگی انسان و ارزش انسانیت دارد. از نظر مولانا انسان فقط یک حیوان معمولی نیست که فقط از گوشت و خون تشکیل شده باشد. این جهان برای انسان‌ها خلق شده است. انسان دارای نظام کاملی با ابعاد مادی و معنوی است. اصول اجتماعی او عبارتند از؛ اصول کرامت انسانی، هدفمندی در هستی، وحدت و برابری. تعلیم در مثنوی شریف یکی از دلایل محبوبیت مولانا در جامعه است. شوخی‌های احساسی و کلمات بازیگوش او همچنین حاوی پیام‌های انسانیت و اجمالی از اندیشه و خرد عمیق است. آثار او حداقل به ۲۳ زبان دنیا ترجمه شده است. مولانا شاعر شادی و عشق بود. او در قلب تک تک افراد جامعه ماندگار است. خوانندگان به دلیل سخنان الهام بخش او به شعر مولانا علاقه زیادی دارند.

سهم پژوهش: مولانا درویش و صوفی با نفوذی بود. افکار او می‌تواند در ایجاد آرامش و هماهنگی در جامعۀ ما کمک کننده باشد. دیدگاه‌های مولانا می‌تواند نقش عمده‌ای در شکل گیری درک حقوق بشر در جامعۀ بنگالی داشته باشد. بسیاری از خوانندگان دائماً سطرهای شعر او را در رسانه-

های اجتماعی محبوب دوران مدرن، فیس‌بوک، یوتیوب و توییتر بارگذاری می‌کنند. از ترجمهٔ شعر او به انگلیسی میلیون‌ها نسخه تنها در آمریکا فروخته شده است. ترجمه‌های جدیدی از اشعار مولانا مدام در راه است. محبوبیت و نفوذ او در جامعه همچنان افزایش خواهد یافت.

نتیجه گیری

با توجه به بحث فوق می‌توان گفت که مولوی پس از گذشت قریب به هزار سال از مرگش، امروز نیز شاعر محبوب فارسی زبان است. از قرن سیزدهم تا به امروز، میراث اجتماعی او هر کسی را که به دنبال کشف خود، درک معنای زندگی و جستجوی حقیقت است، هدایت کرده است. توسعهٔ اجتماعی و حل مشکلات جهانی منبع الهام کامل مولانا است. نفوذ او از مرزهای فرهنگی و ملی فراتر رفت. او کمک‌های بزرگی در زمینه حقوق بشر در هر جامعه‌ای داشته است. اندیشهٔ او بیانگر جوهر تغییر ناپذیر انسان و ارزش‌های اساسی و جهانی جامعه مدرن است. کرامت انسانی و عدالت اجتماعی در عالم اندیشهٔ او نقش اساسی دارد. او برای حمایت از حقوق بشر بدون تبعیض و برای رفاه، عدالت و حکمرانی خوب همه مردم مبارزه کرد. مولوی سنت معنوی ارزشمندی را در جامعه پایه‌گذاری کرد که مظهر ارزش‌های انسانی و آرمانی است. شکلی از جهان بینی را ایجاد کرد که الگویی معنادار برای درک راز زندگی و راز هستی ارائه می‌دهد. او با اشعار خود به بحث تربیتی اصلاح اجتماعی پرداخته است که شامل جنبه‌های آموزشی و جالب اصلاح اجتماعی است. حوزهٔ معرفتی مولانا را نمی‌توان با جهان‌بینی نظام‌مند محدود کرد. مولانا مردی بسیار خردمند بود. مثنوی بزرگترین شاهکار اوست. او از اول تا آخر این کتاب از عشق الهی می‌گوید. عشق مقدس، اشتیاق شدید برای از فنا شدن خود در دیگری است. محبت بین زن و مرد، بین پدر و مادر و فرزند، بین بزرگان و جوانان؛ عشق به حضرت محمد (ص) که می‌تواند بین امت او و بین الله و پیروان او باشد. مثنوی مولوی این سخنان عاشقانه را به گونه‌های مختلف بیان کرده است. در اقیانوس مثنوی او جواهرات عظیمی وجود دارد. برای استخراج این گوهر می‌توان به سطح اقیانوس رفت، اما نمی‌توان از قعر این اقیانوس عظیم مروارید استخراج کرد (حق، ۲۰۱۷: ۱۲۰). پیوند دانش او با جهان بیکران قابل مشاهده است. مولوی اهل هیچ فرقه‌ای نبود و پناهگاه همه بود. او شمع بشریت بود.

منابع:

۱. احمد الحق، سید. (۲۰۱۳). *خانواده، دین و مولوی*. چیتاگونگ: انجمن علامه رومی بنگلادش.
۲. احمد الحق، سید. (۲۰۱۷). *کلیات سید احمد الحق* (مقالات مورد تصوف). جلد ۱. چیتاگونگ: انجمن رومی بنگلادش.
۳. آربری، ا.ج. (۱۹۵۸). *ادبیات کلاسیک فارسی*. لندن: جورج آلن و آنوین
۴. برکت الله، محمد. (۱۹۸۹). *کلیات محمد برکت الله*. داکا: آکادمی بنگلا داکا.
۵. بلخی، مولانا جلال الدین محمد. (۱۳۷۳). *مثنوی معنوی*. تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.
۶. تنویر احمد. (۱۹۹۱). *تاریخ کوتاه ادبیات فارسی: بازنگری*. کلکته: ناج کتاب دیپو.
۷. سرکار، محمد سلیمان علی. (۲۰۱۴). *ابن العربی و جلال‌الدین رومی*. داکا: صدر.
۸. شمس الرحمن، چودوری. (۲۰۰۲). *فلسفهٔ تصوف*. داکا: دیویا پروکاش.
۹. شیو پراساد شور. (۲۰۱۶). *فلسفه زندگی صوفیانه*. چیتاگونگ: انتشارات منان.
۱۰. شیرازی، طارق ضیاء الرحمن؛ و عیسی شاهدی، محمد. (۲۰۰۷). *تاریخ ادبیات فارسی*. داکا: انتشارات بین‌المللی الهدی.
۱۱. عبدالمودود. (۱۹۸۴). *مسلیم منیشا*. داکا: بنیاد اسلامی بنگلادش.
۱۲. عیسی شاهدی، محمد. (۲۰۱۵). *حضرت شمس تبریزی (ره)*. داکا: سایه‌پات.
۱۳. غلام رسول، محمد. (۲۰۱۳). *تاریخ تصوف*. داکا: انتشارات بین‌المللی کتاب.
۱۴. کتاب یادبود (۲۰۱۳). *رومی بنگال سید احمد الحق*. چیتاگونگ: انجمن علامه رومی بنگلادش.
۱۵. مشتاق احمد. (۲۰۱۵). *دیوان شمس تبریز*. داکا: انتشارات رودلا.
۱۶. منصورالدین، محمد. (۱۹۷۸). *شاعر ایران*. داکا: آکادمی بنگلا.
۱۷. ویزلال، جوئل. (------). *تاریخ مقدماتی ادبیات فارسی*. ویرایش دوم. لاهور: انتشارات رام و سان.
۱۸. یوسف، منیرالدین. (۲۰۰۴). *تأثیر تصوف بر ادبیات بنگالی*. داکا: بنیاد اسلامی بنگلادش.